

پیش‌درآمدی بر اهداف و زمینه شکل‌گیری استارت‌آپ‌ها

استعمار به وقت «ویکند»



هزینه‌های زیادی را تحمل می‌کرد.

همین سبب شد استعمار این بار به شیوه‌ای دیگر در بسیاری از کشورها رسوخ یابد. در مدل استعمار فرانو، استعمارگر کافی است سیاستمداران و متنفذین کشور دیگر را اقناع و با خود همراه سازد؛ به گونه‌ای که بدون آنکه خود بدانند به‌دست‌نشانندگان و پیاده‌کنندگان منویات استعمارگر بدل شوند. کافی است تفکر عدم استقلال و باور به وابستگی میان مدیران یک کشور و ساختارهای حاکمیتی آن رواج یابد؛ آنگاه حکومت مورد بحث یا کمترین هزینه مغلوب سیاست‌های دولت مزمن می‌گردد.

چشم طمع غرب به ایران نیز بود و همین مسئله و البته نفوذناپذیری ساختارهای حکومتی- نظامی کشور سبب شد این راهبر به شکل ویژه‌ای برای کشور ما به کار بسته شود. کارشناسان اندیشکده «رند» در گزارشی ایران را در رأس اهدافی قرار می‌دهند که امریکا باید با سیاست‌های خود از جمله کنترل دسترسی به بازارهای جهانی، حمایت از اپوزیسیون داخلی و حملات سایبری، برای نفوذ و تغییر حکومت در آن اقدام کند. «سازمان رند» از اندیشکده مطرح امریکایی که به نیروهای مسلح این کشور وابسته است، در گزارشی، گزینه‌های امریکا برای تأثیر گذاری و اجبار دشمنان به تن دادن به منافع واشنگتن را بررسی کرد و تحت عنوان «قدرت اجبار: مقابله با دشمنان بدون رفتن به جنگ» منتشر شده، ابعاد مختلفی از سیاست «قدرت اجبار» امریکا را توصیف می‌کند. در بخشی از این گزارش ابراز می‌شود: «جهانی شدن تجارت، سرما به‌گذاری، امور مالی، اطلاعات، و انرژی گزینه‌های «قدرت اجبار» آینده‌داری را در اختیار امریکا می‌گذارد، به ویژه در برابر دشمنانی که وابسته به دسترسی به این بازارها و نظام‌های مالی و غیره [هستند».

■ **استعمار علمی؛ مدل جدید استعمار**

استعمارگران شاید تا پیش از قرن بیست و یکم برای استعمار تنها چشم به اراضی، منابع و موادخام و نیز بازار فروش کشورهای دیگر دوخته بودند، و البته نیروی کار کشورهای دیگر را با مدل بردگی نوین (کار با دستمزد ناچیز یا صادرات کارگر به کشورهای استعمار گر) به خدمت می‌گرفتند.

به واقع، اروپا- امریکایی‌ها خود را نسل برتر بشر می‌دانستند و سایر گونه‌های بشری را اقوامی پست می‌دانستند که در بهترین حالت می‌توانند کارگران اروپایی‌ها باشند. نظریات فاشیستی و نژادپرستانه رهبران غرب نظیر هیتلر و موسولینی از دل همین خودبرتربینی اروپایی شکل گرفت و هنوز نخله‌های این جنس تفکر در اندیشه صهیونیستی- یهودی وجود دارد. اما همگام با توجه به عنصر نیروی انسانی خلاق در کشورهای توسعه‌یافته، استعمارگران دیرینه، به زودی فهمیدند که انباشت ضریب هوشی و خلاقیت در یک گونه بشری (روپایی) با عقل سازگاری ندارد و گویا غرب با چنین انگاشتی خود را از استعمار یکی دیگر از سرمایه‌های مهم موجود در کشورهای توسعه‌نیافته



ایده‌هایی که اتفاقاً قالبی بسیار جذاب داشت.

در اولین اقداماتی که به بهره‌گیری ارزان از نیروهای نخبه سایر کشورها و شناسایی آنان می‌انجامید، جهانی‌سازی نمایه‌های علمی و ژورنال‌های تخصصی دانشگاهی برای حضور اساتید و دانشجویان نخبه و تشویق نظام‌های آموزشی کشورها به اعتباربخشی برای این ژورنال‌ها بود. ISI خود، به تنهایی توانست یکی از ابزارهای استعمار غرب برای شناسایی و استفاده از نظریات غربی باشد که شعار «اعتبار علمی» سری می‌داد اما باطنی جز «استعمار علمی» نداشت. استعماری که با تحمیل زبان انگلیسی به عنوان زبان انحصاری علم و دانش، دستاوردهای علمی بشر که با این زبان و در چنین پایگاه‌های ثبت نشده و انتشار نیافته باشد، فاقد سندیت و اعتبار لازم قلمداد می‌کند.

در گام دیگری از این پروژه، در دهه اخیر، سیل «فرشتگان حمایتگر» امریکایی و اروپایی به ایران آمدند تا در قالب شعار فریبنده «کارآفرینی برای مردم فقیر خاورمیانه» ر‌آسا و شخصاً به کشف و جذب استعدادها مبادرت ورزند. شرکت‌های مشهوری چون گوگل، اینتل، ای‌بی‌ام، اپل و مایکروسافت که اکنون به غول‌های تکنولوژی و فناوری ارتباطات جهان بدل شده‌اند، ناگهان تصمیم گرفتند همگام با پروژه «دیپلماسی دیجیتال» امریکا، بخشی از سود سالانه خود را به حمایت ایده‌های خلاقانه و کارآفرینانه اختصاص دهند!

پروژه‌هایی نظیر آخر هفته‌های استارت آپ (استارت آپ ویکندن) که در آن دانشجویان کشورهای خاورمیانه، که اغلب دارای درصد بالایی بیکاری این گرازه که خوش‌فکر و تحصیلکرده‌اند را به خود جذب می‌کند. کشف اخیر شبکه‌های نفوذ در قالب کارآفرینی که در شبکه امنیتی کشور، رنوس آنان شناسایی و به جرم جاسوسی محاکمه شدند، حکایت از این دارد، که متن فوق یک داستان تخیلی و توهم توطئه نیست، بلکه پروژه‌های عظیم برای کشف استعدادهای کشورهای در مسیر توسعه شکل گرفته است و عدم توجه به ابعاد این پروژه در آینده می‌تواند خسارت‌آفرین باشد. این پروژه در سبستر یک «الیگارشی علمی» شکل می‌گیرد و می‌کوشد در سطح ملی کشورها با سرکوب خودباوری ملی خود را یعنی نخبگان نشان دهد. سرکوب خودباوری یعنی القای این گزاره که دولت‌های در حال توسعه در بهترین حالت ۲۰۰ سال با غرب فاصله دارند که متأسفانه ندای آن را گاه خود دولتمردان و سیاستمداران کشورها با بیان عباراتی از جمله ضرورت واردات مدیر از خارج کشور و نیز عدم حمایت مناسب ساختاری، مادی و معنوی از استعدادها سری می‌دهند.

■ **بومی‌سازی؛ تنها راه پیش رو**
شیوه مواجهه با این مدل پیچیده استعمار اما، ضرورتاً باید از جنس خودش باشد. اگر روزگاری دلاوران تنگستانی و سرداران گیلک با تفنگ سر بر به مقابله با استعمار کلاسیک پرتغال و انگلیس و شوری و... می‌پرداختند؛ امروز نخبگان وطنی باید برای مقابله با چنین طرح‌هایی، خلاقیت مقابل به خرج دهند.

احتماقه‌ترین روش ممکن برای مواجهه با مدل استعمار علمی، نادیده گرفتن نیازهای منجر به آن و مقابله سلبی با مراکز شکل گرفته برای این کارکرد است و برخورد هوشمندانه آن است که نهادهای متناظر و موازی با کارکرد بومی در همین راستا شکل بگیرد.

«شکل‌گیری مرکز استنادات علمی جهان اسلام» یکی از نقاط عطف در مواجهه با کارکرد استعمار علمی غرب بود و روند رو به رشد این مرکز و مراکز مشابه نشان می‌دهد، می‌توان به مدلی حتی فرامرز برای ثبت و اشتراک ایده‌ها و نظریات علمی بدون حواله آن به مراجع غربی دست یافت. در زمینه کارآفرینی نیز مراکز مشابه و شتاب‌دهنده‌های بومی، تنها مسیری است که معتمدان جمهوری اسلامی باید سرمایه‌گذاری اساسی و فوری روی آن داشته باشند تا نیاز شکل گرفته در جامعه نخبگانی و خصوصاً زمینه کاملاً مساعد «فناوری ارتباطات» بتواند بدون استعمار غرب به رشد و توسعه کارآفرینی و حل معضلات با راهکردی بومی بینجامد.

■ **کارشناس ارشد کارآفرینی**

اندیشه

صراط



گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب پیرامون مقابله با استعمار علمی

استعمار برای ترویج تفکر غربی

در نسل جدید هزینه می‌کند

استعمار، هم در پیشرفت علمی یک بخش از دنیا نقش داشت و هم توانایی‌اش بر استعمار، ناشی از میزان پیشرفت علمی‌اش بود که از آن پیشرفت، استفاده سیاسی کرد. مانند انگلیس که از کشتی بخار برای استعمار هند استفاده نمود و استعمار هند کمک کرد که کشتی بخار به کشتی‌های پیشرفته‌تری تبدیل شود و تسلط بر هند و نقاط دیگر را نیز بیشتر کند. به این ترتیب، علمی که محدود و محصور به خودشان بود، در خدمت استعمار قرار گرفت و استعمار در خدمت علم!

ما باید از محاصره موجود که کشورهای جهان سوم در آن قرار گرفته‌اند، خودمان را خارج کنیم. این فقط وظیفه ما نیست، بلکه وظیفه همه ملت‌های دنیاست که در دوره‌ای از کاروان علم عقب مانده‌ند. من اعتقاد راسخم – که این اعتقاد با نظر خبرگان و کارشناسان فن تأیید شده است – این است که ما می‌توانیم این کار را کنیم. این مُهر «حی‌توانیم» و «همی‌توانید» را که یکی از بخش‌های عمده سیاست فرهنگی دشمنان بوده، بایستی از ذهن خودمان پاک کنیم. البته من احساس می‌کنم که در همین زمینه هم می‌توانیم پیشرفت کنیم؛ چراکه الان می‌بینم شما استادان و دانشجویان در محافل دانشجویی، از نهضت نرم‌افزاری و تولید علم به‌عنوان کارهای عملی و فعال یاد می‌کنید. این، خیلی موفقیت است که ما به این فکر افتاده‌ایم و این موضوع به‌صورت شعار، در خواست و خواسته درآمده است. اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمی‌کند، خرسند هم می‌کند، این جهاد نیست. فرض کنیم جهاد دانشگاهی یا فلان مؤسسه مربوط به جهاد دانشگاهی بگوید در سال فلان، صد یا پانصد مقاله از من در «ISI» منتشر شده؛ این، ملاک نیست. این مقاله چه بود؟ در چه جهت بود؟ به چه دردی شما خورد؟ این کسانی که با زمان‌های شما دشمنند، نسبت به این مقاله چه موضعی داشتند؟ آیا آنها احساس خطر کردند؟ البته سیاسيونشان – اهل علم که نگاهشان جور دیگری است – یا نه، احساس خطر نکردند.

■ ■ ■ ■

«لعلم سلطان؛ من و جدّه سال و من لم یجدّه صیل علیه» علم، قدرت است – از این دو حال خارج نیست – هر کس دانش را به دست آورد، می‌تواند قدرت‌مندی و قدرتمایی کند؛ هر کس دانش را به دست نیآورد، قدرتمایی و قدرتمندی را ندارد. قدرت‌مندی علیه او انجام می‌گیرد. بزرگ‌ترین خیانت در طول این، ۱۵۰، ۲۰۰ سال روزگار است؛ روزی‌ها علم به کشور ما شد، این بود که نگذاشتند یا زمینه‌را فراهم نکردند که این ملت با استعدادی که مثل بوعلی و فارابی و رازی را در سابقه تاریخی خود دارد، بتواند جای خودش را در دنیای علم امروز پیدا کند. حالا می‌توانید بگویید نگذاشتند؛ این نگاه بدبینانه است؛ می‌توانید بگویید زمینه‌را فراهم نکردند – دیگر از این کمتر نیست – این نگاه خوشبینانه است. در دوره‌های قاجاریه و پهلوی، این گناه بزرگ بر گردن آنهاست که زمینه‌را فراهم نکردند. وقتی زمینه فراهم نشد، استعدادی که در این ملت و جوان‌ها وجود دارد، یکی از دو، سه راه را خواهد پیمود: یا اصلاً استعداد بروز نمی‌کند. شما هر چه نیروی بدنی داشته باشید و استعداد رشد بدنی داشته باشید، وقتی از اول ورزش نکردید و به ماهیچه‌هایتان تحرک ندادید، رشد نخواهید کرد؛ این استعداد ضایع و دفن می‌شود. یا اینکه، آن کسی که دارای استعداد است و می‌بیند که راهی وجود ندارد تا این استعداد پرورش پیدا کند، به خارج از این مرزها می‌رود؛ که همان مسئله فرار مغزها در طول سال‌های متمادی است و فقط به این سال‌ها مربوط نمی‌شود؛ بلیه دوران طولانی تاریخ گذشته ماست. افراد بااستعداد و توانا به گوشه‌های از دنیا رفته‌اند و مشغول کار شده‌اند. یا اینکه این استعداد در راه‌های خطا و غلط به کار می‌رود؛ چون میدان برای استعدادها باز نشده است.

■ بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای – ۸۵/۳/۲۵
■ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها – ۸۹/۶/۱۴
■ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و فرهنگیان – ۹۵/۲/۱۵

متفکرین سیاست غربی بارها گفته‌اند به جای اینکه ما مثل دوران استعمار قرن نوزدهمی برویم کشور گشایی کنیم و حاکم نظامی بگذاریم و پول خرج کنیم و اسلحه بفرستیم و جنگ و جدال راه بیندازیم، بهتر از آن و آسان‌تر از آن و کم‌هزینه‌تر از آن، این است که نخبگان وزیدگان آنها را ببیازیم فکر خودمان را به آنها تزریق کنیم، آنها را بفرستیم به کشورشان، آنها می‌شوند سربازهای بی‌جیره و موجب ما، همانی که او می‌خواهد، این عمل می‌کند. شما امروز چنین دولت‌هایی سراغ ندارید؟ در منطقه ما از این دولت‌ها کمند؟ [آه] همان حرفی را می‌زند که امریکا می‌خواهد بزند، همان کاری را می‌کند که او می‌خواهد بکند؛ خرجش را هم متحمل می‌شود، هزینه‌اش را هم متحمل می‌شود، [آنا] برای او کار می‌کند. نه فقط از او امتیاز نمی‌گیرد و پول نمی‌گیرد، بلکه پول هم خرج می‌کند؛ امتیازش فقط این است که استکبار مانع سقوط او به دست عوامل مخالف می‌شود و او را نگه می‌دارد. یک برنامه اینجوری دارند برای نسل ما؛ برای همین دانش آموزی که زیر دست شمعاست همین برنامه را دارند. حالا چقدر بتوانند یا نتوانند بحث دیگری است، اما این برنامه هست. فکر خودشان را ترویج می‌کنند، فرهنگ خودشان را ترویج می‌کنند، زبان خودشان را ترویج می‌کنند.

چند سالی است که مسئله نهضت نرم‌افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده‌ام. این، یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آنجایی که نوآوری‌های علمی در فضای موجود بشری، از آنجا شروع می‌شود. ما از لحاظ استعداد، نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند و بر اساس دانش، فناوری‌های پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنای این نیست که ما ترجمه و فراگیری را نمی‌کنیم، نه، آن هم لازم است، بلکه من می‌گویم در ترجمه و فراگیری نباید توقف کرد.

■ ■ ■ ■

بر اثر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسئله استعمار – که نقش استعمار در مطلبی که مورد نظر من است، بسیار زیاد است – بخشی از دنیا زودتر از یک بخش دیگر و به کمک وسیله شتابندای به سمت قله‌های علمی حرکت کرد. این بخش از این وسیله شتابنده استفاده کرد و به جلورفت و این وسیله را روز به روز شتابنده‌تر و تواناتر کرد و با بالا بردن کاربری آن، به دستاوردهای علم رسید؛ در حالی که ما با همه پیشرفت علمی، محاط به جهالت‌های فراوانیم. ساکنان آن بخش از دنیا، پیشرفت‌های علمی شگفت‌آوری کردند و بعد هم سیاست کلی‌شان این شد که علم را در اختیار خودشان بگیرند و اجازه ندهند که کشورهای که عقب مانده‌اند، به آنها برسند یا از آنها جلو بزنند! حتماً شما از محدودیت‌هایی که برای برخی از فناوری‌های پیشرفته وجود دارد که مطلقاً بایستی به هیچ‌نقطه‌ای از نقاط دنیا درز پیدا کند، مطالب زیادی شنیده‌اید.

■ ■ ■ ■



ما باید از محاصره موجود که کشورهای جهان سوم در آن قرار گرفته‌اند، خودمان را خارج کنیم. این فقط وظیفه ما نیست، بلکه وظیفه همه ملت‌های دنیاست که در دوره‌ای از کاروان علم عقب مانده‌ند. من اعتقاد راسخم – که این اعتقاد با نظر خبرگان و کارشناسان فن تأیید شده است – این است که ما می‌توانیم این کار را کنیم. این مُهر «نمی‌توانیم» و «نمی‌توانید» را که یکی از بخش‌های عمده سیاست فرهنگی دشمنان بوده، بایستی از ذهن خودمان پاک کنیم



احتماقه‌ترین روش ممکن برای مواجهه با مدل استعمار علمی، نادیده گرفتن نیازهای منجر به آن و مقابله سلبی با مراکز شکل گرفته برای این کارکرد است و برخورد هوشمندانه آن است که نهادهای متناظر و موازی با کارکرد بومی در همین راستا شکل بگیرد